

➤ اشکال دوّم بر راه حلّ اوّل:

از عبارت مرحوم نائینی^۱ و مرحوم اصفهانی^۲ می توان اشکال دیگری را بر جواب اول مرحوم آخوند استفاده کرد. تقریر اشکال به این نحوه است که:

«وقتی وجوب غیرى بر چیزی عارض شد، استحباب نفسی آن شیء زائل می شود چراکه وجوب یعنی حق ترک عمل را نداریم و این با استحباب قابل جمع نیست»

پاسخ اشکال دوّم:

مرحوم اصفهانی می نویسد:

«و من الواضح أنّ كون الغرض من الأمر المقدمى هو التوصل لا ينافى كون المقدمّة مستحبّة نفسياً؛ بحيث لا يتحقّق المقدمّة إلّا على الوجه العبادى، فإنّ الغرض من الأمر الندبى هو التبعّد، و لا ينافى أن يكون الغرض من الأمر المقدمى هو التوصل، غاية الأمر أن ما يتوصّل به عبادى، لا أنّ الغرض من الأمر بالمقدمّة هو التبعّد؛ حتى يرد المحذور.»^۳

مرحوم نائینی در پاسخ به این اشکال، ابتدا ملاک تبدل احکام به هم را توضیح می دهند. و سپس به مانحن فيه می پردازند:

«ضابط التبدّل هو ان يتعلّق الوجوب بعين ما تعلّق به الاستحباب، كما لو نذر صلاة اللّيل، فإنّ الأمر الاستحبابى أنّما تعلّق بذات صلاة اللّيل لا بما أنّها مستحبّة، و النذر أيضا أنّما يتعلّق بالذات، إذ لا يمكن ان يتعلّق النذر بصلاة اللّيل بوصف كونها مستحبّة، لأنّها بالنذر يصير واجبة فلا يمكنه إتيانها بوصف الاستحباب، فلا بدّ ان يتعلّق النذر بالذات، فيكون الأمر الوجوبى الجائى من قبل النذر متعلّقاً بعين ما تعلّق به الأمر الاستحبابى، فيتبدّل الأمر الاستحبابى بالأمر الوجوبى، و يكتسب

۱. فوائد الاصول، ج ۱، ص ۲۲۹.

۲. نهاية الدراية، ج ۲، ص ۱۱۷.

۳. نهاية الدراية فى شرح الكفاية، ج ۲، ص ۱۱۸.



الأمر الوجوبیّ التّعبديّة، كما اكتسب الأمر الاستحبابیّ الوجوب، فإنّ الأمر النّذریّ و ان كان توصلیّا، إلّا أنّه لمّا تعلّق بموضوع عبادیّ اكتسب التّعبديّة، فتأمل.»^۱

ایشان سپس ادامه می دهد:

«فتحصل أنّ تبدّل حکم إلى غیره، أنّما يكون بوحدة المتعلّق، و تعلّق الثانی بعین ما تعلّق به الأوّل. و امّا إذا لم یکن كذلك، بل تعلّق الثانی بما تعلّق به الأوّل بقید کونه مأمورا به بالأمر الأوّل، ففي مثل هذا لا یعقل التّبدّل كما فی صلاة الظّهر، حيث اجتمع فیها امران: امر تعلّق بذاتها و هو الأمر النّفسی العبادیّ الّذی لا یسقط إلّا بامتناله و التّعبد به، و لمكان كون صلاة الظّهر مقدّمة لصلاة العصر - حيث أنّ فعلها شرط لصحّتها - قد تعلّق بها امر آخر مقدّمی، و لكن الأمر المقدّمی قد تعلّق بصلاة الظّهر بقید كونها مأمورا بها بالأمر النّفسی و بوصف وقوعها عبادة امتثالا لأمرها النّفسی، حيث ان ذات صلاة الظهر لم تكن مقدّمة لصلاة العصر، بل المقدّمة هي صلاة الظهر المتعبّد بها بالأمر النّفسی، و الأمر المقدّمی أنّما یقع علی ما هو مقدّمة، فیختلف موضوع الأمر النّفسی مع موضوع الأمر المقدّمی، و لا یتحدان، فلا یمکن التّبدّل فی مثل هذا، فلو قصد الأمر المقدّمی فی فعل صلاة الظّهر تقع باطلة، فإنّ الأمر المقدّمی يكون توصلیّا و لا یتکسب التّعبديّة، لاختلاف متعلّق الأمر العبادیّ مع الأمر التّوصلی.»^۲

مرحوم نائینی با توجه به این مبنا، به پاسخ اشکال دوّم اشاره می کند:

«آنچه متعلق استحباب نفسی است، نفس وضو می باشد و آنچه واجب غیری است، وضویی است که متعلق امر استحبابی واقع شده بود.»

ما می گوئیم:

۱. به نظر می رسد پاسخ مطرح شده وابسته به مبنایی است که در بحث اجتماع امر و نهی اتخاذ خواهیم کرد، چراکه طبق فرمایش مرحوم نائینی اگر یک شی متعلق استحباب و وجوب شد، این دو در هم

۱. فوائد الاصول، ج ۱، ص ۲۲۹.

۲. فوائد الاصول، ج ۱، ص ۲۳۰.



مندک می شوند(همانند اندکاک سیاهی کم در سیاهی زیاد) و اگر متعلق استحباب و وجوب دو شیء مختلف بودند، اندکاک صورت نمی پذیرد.

این درحالی است که ممکن است بگوئیم با پذیرش اجتماع امر و نهی، تعدّد عناوین باعث اندکاک نمی شود بلکه یک شی می تواند حرام و در عین حال واجب باشد. آنچه ممکن نیست اطاعت از هر دو حکم است. و از آن طرف اگر اجتماع امر و نهی را محال بدانیم، تعدد متعلق نمی تواند مشکل گشا باشد چراکه بالاخره یک عمل اگرچه تحت دو عنوان قرار گرفته است) نمی تواند هم مستحب و هم واجب باشد. بحث را باید در جای خود مطرح کرد.

